

خلاصه پژوهش:

پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی است که به منظور بررسی تاثیر محلول بی کربنات سدیم بر زمان شروع و مدت اثر بیحسی ناشی از محلول لیدوکائین همراه با محلول آدرنالین در بیمارانی که بروش بیحسی اپیدورال تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند، انجام شده است.

اهداف پژوهش

الف - اهداف کلی

۱- تعیین تاثیر محلول بی کربنات سدیم بر زمان شروع و مدت اثر

گیتی وکیلان:

کارشناس ارشد رشته بیهوشی

استاد راهنما: آقای دکتر موفقی

(متخصص بیهوشی) «عضو هیئت علمی

دانشگاه علوم پزشکی ایران»

استاد مشاور: خانم بنی‌اسد عضو هیئت

علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران»

استاد آمار: جناب آقای دکتر محمودی

«عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت

دانشگاه تهران»

استاد ناظر: خانم فاطمه جوادی

«عضو هیئت علمی دانشگاه

علوم پزشکی ایران»

محلول لیدوکائین همراه با محلول آدرنالین در بیمارانی که به وسیله عمل جراحی قرار گرفته‌اند.

بی حسی اپیدورال تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند. ۳ - تعیین تأثیر محلول بی کربنات سدیم بر مدت اثر بی حسی ناشی

از محلول لیدوکائین همراه با محلول آدرنالین در بیمارانی که به روش بی حسی اپیدورال تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند.

۲ - ارائه پیشنهادات به منظور پژوهشهای بعدی در بیهوشی. ۳ - ارائه پیشنهادات به منظور پژوهشهای بعدی در بیهوشی

فرضیه های پژوهش:

۱ - محلول بی کربنات سدیم

همراه با محلول لیدوکائین و محلول

آدرنالین از طریق فضای اپیدورال باعث

تسریع زمان شروع اثر محلول

لیدوکائین می شود.

ب - اهداف ویژه:

۱ - تعیین مشخصات فردی

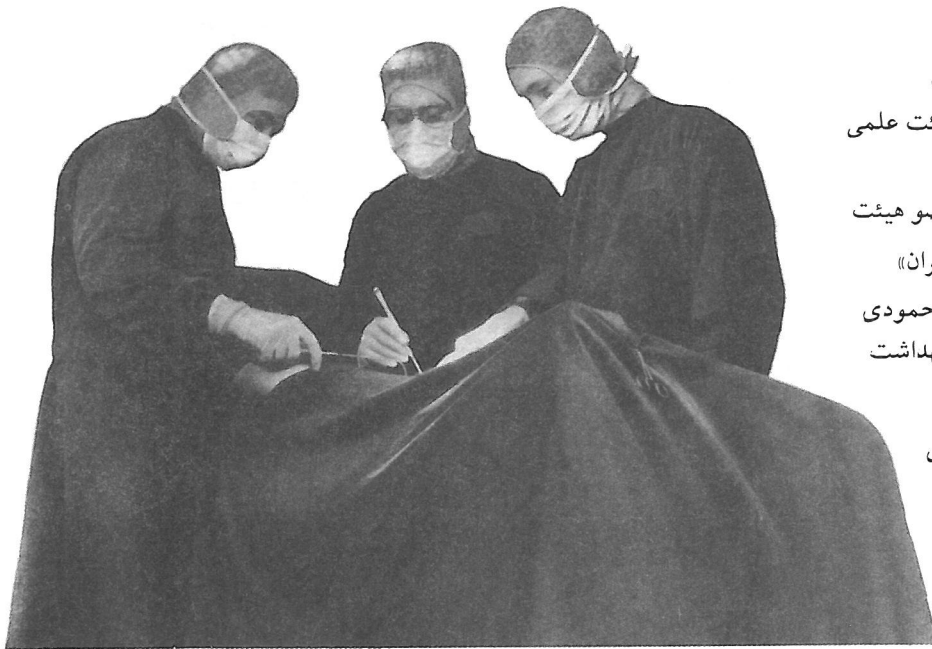
واحدهای مورد پژوهش

۲ - تعیین تأثیر محلول بی کربنات

سدیم بر زمان شروع اثر بی حسی

ناشی از محلول لیدوکائین همراه

با محلول آدرنالین در بیمارانی که



بررسی تأثیر محلول بی کربنات سدیم بر زمان شروع و مدت اثر بی حسی ناشی از محلول آدرنالین بیمارانی که به روش بی حسی اپیدورال تحت جراحی قرار می گیرند.

همچنین مدت اثر بیحسی از زمان شروع اثر بیحسی تا زمانی که سطح بیحسی نسبت به بالاترین سطح بیحسی دو قطعه پائین تر آمده باشد، در نظر گرفته شده است. در این پژوهش روش گردآوری داده‌ها، مشاهده مستقیم توسط پژوهشگر و ثبت زمان شروع اثر و مدت اثر بیحسی پس از تزریق داروهای مذکور بوده و ابزار گردآوری شامل برگه مشاهده می‌باشد.

یافته‌های این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و استنباطی با استفاده از آزمون آماری t ، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج حاصله بصورت جداول توزیع فراوانی مطلق و نسبی و شاخصهای مرکزی به نمایش گذارده شده است. یافته‌ها و نتایج پژوهش در مورد تاثیر محلول بی‌کربنات سدیم بر زمان شروع و مدت اثر محلول لیدوکائین همراه با محلول آدرنالین در بیمارانی که بروش بیحسی اپیدورال تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند نشان داده که این دارو باعث کاهش زمان شروع اثر بیحسی ناشی از محلول لیدوکائین همراه با محلول آدرنالین در روش بیحسی اپیدورال گردیده است و انجام آزمون آماری t ارتباط معنی‌داری را در این رابطه بین دو گروه مورد و شاهد نشان داده است. در جایی که نتایج یافته‌های پژوهش در مورد تاثیر محلول بی‌کربنات سدیم بر مدت اثر بیحسی ناشی از محلول لیدوکائین همراه با محلول آدرنالین نشان داد که این دارو بر روی مدت اثر بیحسی تاثیری نداشته است.

۲- تفاوت در ساختمان آناتومیکی فضای اپیدورال بر نتیجه پژوهش می‌تواند تاثیر گذارده باشد.

۳- تنوع در ساختمان شبکه عروقی فضای اپیدورال و جذب دارو توسط این شبکه باعث خروج دارو از محیط اثر شده و می‌توانسته بر نتیجه پژوهش تاثیر گذارده باشد.

در این پژوهش تعداد ۵۰ بیمار در دو گروه ۲۵ تایی بعنوان گروه مورد و شاهد شرکت داشته‌اند که کلیه بیماران زن بوده و در رده سنی ۲۱-۴۵ سال قرار داشته‌اند و دارای شرایط لازم برای شرکت در این پژوهش بوده‌اند. در گروه مورد محلول بی‌کربنات سدیم همراه با محلول بیحس کننده لیدوکائین و محلول آدرنالین از طریق فضای اپیدورال تزریق گردیده است. (در این پژوهش مقدار بی‌کربنات سدیم ۲ میلی‌لیتر همراه با ۲۰ میلی‌لیتر محلول ۲ درصد لیدوکائین و محلول آدرنالین $1/200000$ به مقدار ۱ میلی‌لیتر در گروه مورد و محلول لیدوکائین ۲ درصد به مقدار ۲۰ میلی‌لیتر همراه با محلول آدرنالین $1/200000$ به مقدار ۱ میلی‌لیتر در گروه شاهد بکار رفته است). در این پژوهش روش نمونه‌گیری تصادفی بوده است. سپس بیماران هر دو گروه از نظر زمان شروع اثر بیحسی و مدت اثر بیحسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. معیار سنجش زمان شروع اثر بیحسی، از زمان تزریق دارو در فضای اپیدورال تا زمانی که حس درد سطحی در پوست بیمار از سطح اعصاب چهارم سینه‌ای تا اعصاب پنجم خاجی از بین رفته باشد،

۲- تزریق محلول بی‌کربنات سدیم همراه با محلول لیدوکائین و محلول آدرنالین از طریق فضای اپیدورال باعث افزایش مدت اثر محلول لیدوکائین می‌گردد.

پیش فرضهای پژوهش:

۱- محلول‌های فلیپایی زمانی که همراه با داروی بیحس کننده موضعی بکار می‌روند بر روی فلج اعصاب اثر مثبت دارند (میلر، ۱۹۹۰، صفحه ۴۴۴).

۲- بیحسی اپیدورال معمولاً برای اعمال جراحی ناحیه تحتانی شکم و اندامهای تحتانی مورد استفاده قرار می‌گیرد (دریپس، ۱۹۸۸، صفحه ۲۲۵).

محدودیت‌های پژوهش

الف - محدودیت‌های در اختیار پژوهشگر:

۱- سن یکی از عوامل مهمی است که در بیحسی اپیدورال تاثیر بسزائی دارد (مولروی، ۱۹۸۹، صفحه ۹۴) لذا پژوهشگر تاثیر این عامل را در این پژوهش مورد نظر قرار داده است.

۲- این پژوهش بر روی گروه زنان انجام گرفته لذا نتیجه قابل تعمیم بر روی گروه مردان نمی‌باشد.

ب - محدودیت‌های خارج از اختیار پژوهشگر:

۱- واکنشها و مقاومتهای ناشناخته فردی در مقابل داروی بیحس کننده موضعی بر شروع اثر و مدت اثر دارو در روش بیحسی اپیدورال موثر می‌باشد (دریپس، ۱۹۸۸، صفحه ۲۱۶).

Investigating the effect of sodium bicarbonate solution on onset and duration of anesthesia with the use of adrenaline solution in surgical patients undergoing epidural anesthesia

Vakilian, G.

In this quasi-experimental study, we assess the effect of sodium bicarbonate solution on onset and duration of anesthesia with the use of lidocaine and adrenaline solution in surgical patients undergoing epidural anesthesia

Key words: Regional anesthesia, Sodium bicarbonate solution, Lidocaine and adrenaline solution, Epidural anesthesia